

## Conceptualization of the naming of "Quran" in Nahj al-Balagha based on the theory of conceptual metaphors of Likaf and Johnson

Ezzat Molla Ebrahimi\*

Fatemeh Sadat Hosseini\*\*

### Abstract

Religious concepts are mostly abstract matters, but according to the understanding of material man and his limited mind, they are expressed in the language of metaphor. Qur'an is the miracle of Islam and one of the two greatest virtues that guarantee human happiness by adhering to it. The truth of the Qur'an is a high spiritual concept and has unique characteristics that cannot be understood correctly and comprehensively outside of the context of the words of the innocents (PBUH). This research seeks to analyze the application of conceptual metaphor theory in introducing the truth of the Qur'an and its characteristics in the words of Hazrat Ali (pbuh) in Nahjal Balagha. The current research was compiled with the descriptive-analytical method and based on the theory of conceptual metaphors of Likoff and Johnson. From the findings of the research, it can be deduced that because the Holy Quran is a great truth, Imam Ali (AS) used various linguistic tools to make the audience understand the many abstract concepts of the Quran. It was known from the author of this research that in Nahj al-Balagheh 14 conceptual metaphors are used to introduce the Quran and its noble features, that Amir al-Mu'minin (a.s.) in each metaphor considered the components in the field of origin that were better known to the audience and made them attributed to the Holy Quran.

**Keywords:** Quran, Nahj al-Balaghah, conceptual metaphors, Likaf, Johnson.

\* Professor, Arabic Language and Literature, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding Author),  
mebrahim@ut.ac.ir

\*\* M.D in Arabic Language and Literature, University of Tehran, Tehran, Iran,  
fatemehsadathosseini133@gmail.com

Date received: 24/01/2024, Date of acceptance: 21/04/2024





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## مفهوم‌سازی نام‌نگاشت "قرآن" در نهج‌البلاغه بر اساس نظریه استعاره‌های مفهومی لیکاف و جانسون

عزت ملا ابراهیمی\*

فاطمه سادات حسینی\*\*

### چکیده

مفاهیم اساسی در چارچوب اندیشه‌ی دینی از قبیل سعادت، هدایت، تقوا و ... عموماً غیرمادی هستند که برای تبیین بهتر، در قالب مفاهیم مادی و عینی به بشر معرفی شده‌اند. از مهم‌ترین مفاهیم معنوی که با بسامد بالایی در سخنان معصومین به کار رفته قرآن است. این پژوهش در پی آن است که کاربری نظریه‌ی استعاره مفهومی در معرفی حقیقت قرآن و خصایص آن را در کلام حضرت علی(ع) در نهج‌البلاغه مورد واکاوی قرار دهد. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و بر اساس نظریه‌ی استعاره‌های مفهومی لیکاف و جانسون تدوین شده است. از یافته‌های تحقیق استنباط می‌شود چون قرآن کریم حقیقت عظیمی است، امام علی(ع) برای شناساندن مفاهیم والای آن به مخاطب، از ابزارهای مختلف زبانی بهره برده تا مفاهیم انتزاعی پرشماری قرآن را به مخاطب خود بفهماند. از رهگذار این پژوهش دانسته شد که در نهج‌البلاغه ۱۴ استعاره مفهومی برای معرفی قرآن و ویژگی‌های والای آن به کار رفته که امیر المؤمنین(ع) در هر استعاره مولفه‌هایی را در حوزه مبدا که نزد مخاطب شناخته شده‌تر بوده، در نظر گرفته و آنها را به قرآن کریم نسبت داده است.

**کلیدواژه‌ها:** قرآن، نهج‌البلاغه، استعاره‌های مفهومی، لیکاف، جانسون.

\* استاد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)، تهران، ایران، mebrahim@ut.ac.ir

\*\* کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، fatemehsadathosseini133@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۰۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۰۲



## ۱. مقدمه

نهج البلاغه از معتبرترین کتاب‌های مرجع شیعیان محسوب می‌شود و کلام امیر مومنان سرشار از اطلاعات مفید و راهگشا برای طالبان هدایت است. مفاهیم دینی آن همچون وحی، تقوا و غیره عموماً مفاهیم انتزاعی هستند که انسان مادی با ذهن محدودش قادر به شناخت و درک ابعاد و ویژگی‌های آن به شکل جامعی نیست. لذا در کلام حضرت علی (ع) برخی از این مفاهیم دینی برای درک بهتر مخاطب در چارچوب مادی که انسان قادر به درک آنها باشد، ساماندهی شده‌اند.

قرآن کریم دو وجه دارد؛ یک وجه ظاهری که صورت‌بندی آن است و وجه دیگر، صورت باطنی و حقیقت آن می‌باشد که جز خداوند، رسول و اهل بیت (ع) کسی حقیقت آن را در نمی‌یابد. لکن باید حقیقت قرآن کریم و ویژگی‌های آن به مقتضای هدایت مسلمانان تبیین شود تا معجزه‌ی والای پیامبر خویش را بشناسند، پیرامون آن محور گرد هم آیند و از انوار معرفت آن بهره‌مند گردند؛ به عبارتی طالبان هدایت باید هدایتگر خویش را به خوبی بشناسند.

از جمله مفاهیم انتزاعی که بارها در کلام امام علی (ع) ذکر شده، حقیقت قرآن کریم است. امام برای شناساندن شایسته‌ی حقانیت قرآن و خصائص آن به مسلمانان، از مفاهیم مادی که انسان با آنها آشناست و در زندگی روزمره خود با آنها سروکار دارد، بهره جسته و در چارچوب هر مفهوم مادی، ویژگی از خصائص قرآن را برای مخاطب تبیین کرده است. از این رو نگارندگان در پژوهش حاضر به بیان مفهوم‌سازی نام‌نگاشت "قرآن" در نهج‌البلاغه پرداخته‌اند.

نظریه استعاره‌ی مفهومی لیکاف و جانسون، ابزاری مناسب برای شناخت و بررسی مفاهیم انتزاعی است که در قالب مفاهیم مادی تبیین شده‌اند. استعاره مفهومی در حقیقت فهم چیز انتزاعی در قالب چیز مادی و عینی است. این استعاره دو جزء دارد: حوزه‌ی مبدا و حوزه‌ی مقصد. حوزه‌ی مبدا، مشبه به در تشبیه اصلی و همان طرف ملموس‌تر، عینی‌تر و قابل درک‌تر برای مخاطب است. حوزه‌ی مقصد، مشبه در تشبیه اصلی و همان حوزه‌ی است که بیشتر حالت ذهنی، انتزاعی و غیرمادی دارد. از حوزه مبدا برای فهم بهتر و دقیق‌تر حوزه‌ی مقصد کمک گرفته می‌شود. در این پژوهش حوزه‌ی مقصد قرآن است که امام علی (ع) در نهج البلاغه برای تبیین حقیقت آن از ۱۴ حوزه‌ی مبدا متفاوت بهره گرفته‌اند.

### ۱.۱ سؤال پژوهش

جستار حاضر در صدد است تا انواع مفهوم‌سازی نام‌نگاشت "قرآن" در نهج‌البلاغه را استخراج کند و به تبیین مفاهیم انتزاعی و ذهنی آن بپردازد. مهمترین سوالاتی که بدان پاسخ داده خواهد شد، عبارتند از:

- امام علی (ع) از چه مفاهیم مادی برای تبیین حقایق قرآن بهره جسته است؟
- تناظرهایی (نگاشت‌های مفهومی) بین حوزه مبدأ و حوزه مقصد در کلان‌استعاره "قرآن"، چگونه صورت می‌گیرد؟

### ۲.۱ پیشینه تحقیق

تا کنون پژوهش‌های متعددی در ارتباط با نهج‌البلاغه صورت گرفته است که ذکر همه آنها در این مجال نمی‌گنجد. اما مطالعاتی که بر اساس نظریه‌ی استعاره‌های مفهومی لیکاف و جانسون درباره نهج‌البلاغه تدوین شده است، عبارتند از:

- مقاله‌ی «استعاره‌های جهتی نهج‌البلاغه از بعد شناختی»، نوشته‌ی حسین ایمانیان و زهره نادری (۱۳۹۲) که به بررسی استعاره‌های مفهومی جهت‌مند به عنوان نوع خاصی از استعاره‌های مفهومی در نهج‌البلاغه می‌پردازد.
- مقاله‌ی «بررسی شناختی ساخت‌های استعاره‌ی مفهوم فتنه در نهج‌البلاغه بر مبنای نظریه لیکاف و جانسون»، نوشته‌ی کبری راستگو (۱۳۹۸) که در آن استعاره‌های شناختی مفهوم فتنه در نهج‌البلاغه مورد بررسی قرار گرفته است.
- مقاله‌ی «بازکاوی استعاره‌های مفهومی ماده شعر در نهج‌البلاغه بر اساس مدل لیکاف و جانسون»، نوشته‌ی روح‌الله محمدعلی نژاد و دیگران (۱۴۰۱) که بر پایه‌ی نظریه‌ی شناختی لیکاف و جانسون به بررسی مفاهیم انتزاعی که امام علی (ع) با کاربری ماده‌ی شعر در مشتقات گوناگون، آنها را برای مخاطبان عینی‌سازی و تسهیل نموده است، می‌پردازد.
- مقاله‌ی «بازکاوی استعاره‌های مفهومی لباس در قرآن و نهج‌البلاغه بر مبنای مدل لیکاف و جانسون»، نوشته‌ی محمدعلی محمدی و دیگران (۱۴۰۲) که به بررسی و تحلیل مفاهیم انتزاعی پرداخته است که در قرآن و نهج‌البلاغه در قالب مفهوم لباس ساماندهی شده‌اند.

- مقاله‌ی «کاربست ساختارهای استعاری مفهوم عشق در نهج البلاغه بر مبنای نظریه لیکاف و جانسون»، نوشته مرضیه سادات کدخدایی و دیگران (۱۴۰۲) که آن دسته از عبارات‌های استعاری را که در بردارنده مفهوم عشق هستند، از نهج البلاغه استخراج کرده و بر اساس نظریه‌ی استعاری شناختی لیکاف و جانسون مورد بررسی قرار داده است. طبق بررسی‌های انجام شده، تا کنون پژوهشی که به مفهوم‌سازی نام‌نگاشت "قرآن" در نهج البلاغه با روش شناختی لیکاف و جانسون پرداخته باشد، تدوین نشده است.

## ۲. چارچوب نظری

ارسطو استعاره را کاربرد نامی غریب و نامأنوس در مورد چیزی که به آن نام شناخته نیست، می‌داند که بین این چیز و نامی که برای آن به کار می‌رود، نوعی شباهت وجود دارد (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۸: ۴۴). بعدها جاحظ (۱۹۴۸: ۱۴۲) در کتاب البیان والتبیین استعاره را «نامیدن چیزی به اسم چیزی دیگر، هر گاه که در جای آن قرار گیرد» دانست. بنابراین استعاره به امانت گرفتن لفظ از معنای اصلی و استعمال آن در معنای مجازی است. سبب اصلی پدید آمدن استعاره، وجود مشابهت بین دو چیز است که یک مفهوم از حوزه معنایی جداگانه را توسط مفهومی در حوزه معنایی دیگر عینی سازی و تعریف می‌نماید. زبان‌شناسان شناختی معتقدند که «استعاره صرفاً به عنوان ابزاری برای زیبایی‌شناسی به کار نمی‌رود؛ بلکه در زندگی روزانه و تفکر انسان نقشی فراگیر دارد» (چارتریس بلک، ۱۳۹۸: ۳۰). در این دیدگاه استعاره به عنوان فرایندی ذهنی و شناختی مطرح می‌شود که استعاره‌های زبانی صرفاً نمود و شاهد آنها به حساب می‌آیند.

لیکاف و جانسون در سده‌ی معاصر با نگاهی جدید به مقوله استعاره، دامنه‌ی آن را گسترش دادند و در صدد برآمدن تا ناکارآمدی رویکرد سنتی بلاغت در رابطه با استعاره را با تحلیل نادرستی و تصحیح چهار فرضیه اساسی آن به اثبات رسانند. آنها اینگونه بیان کردند که:

دیدگاه کلاسیک به استعاره در چهار مورد زیر اشتباه می‌کند: ماهیت استعاره را کلمه می‌داند، اساس استعاره را شباهت می‌پندارد، همه مفاهیم را حقیقی فرض می‌کند و استعاره را مربوط به بخش غیر حقیقی زبان می‌داند و سرانجام اینکه استعاره را یک تفکر عقلانی و خودآگاه قلمداد می‌کند، نه شیوه‌ای که با طبیعت ذهن و بدن‌های انسان شکل گرفته است. (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰: ۲۴۴).

نظریه‌ی استعاره مفهومی پیرامون فرضیات مذکور اینگونه استدلال می‌کند که:

کانون استعاره در مفهوم است نه در کلمات. از این رو بنیان استعاره نه بر اساس شباهت، بلکه بر پایه ارتباط قلمروهای متقاطع همزمان در تجربه انسان و درک شباهت‌های این حوزه‌ها شکل گرفته است. همچنین بخش عمده نظام مفهومی انسان استعاری است که شامل مفاهیم عمیق و پایداری چون زمان رخدادها، علل، اخلاق، ذهن و غیره می‌شود. این مفاهیم به وسیله استعاره‌های چندگانه‌ای درک و فهمیده می‌شوند که دارای مفاهیمی مستدل هستند. خلاصه اینکه نظام مفهومی استعاره‌ها اختیاری و دل‌خواهی نیست؛ گرچه بر اساس دلایل گسترده طبیعت مشترک جسم انسان و تجربه‌های مشترک وی با دیگران در شکل‌گیری استعاره‌ها موثر است. (هاشمی، ۱۳۸۹: ۱۲۳).

از این رو لیکاف و جانسون برای نخستین بار تحلیلی شناختی از استعاره ارائه کردند که نظریه مفهومی در باب استعاره یا استعاره مفهومی نام گرفت. در این دیدگاه استعاره در واقع کاری ذهنی و فعالیتی شناختی است و یک حوزه مفهومی را بر اساس حوزه مفهومی دیگری بیان می‌کند. به اعتقاد آن دو سرشت استعاره به عبارتی دیگر، فهمیدن تجربه چیزی در چارچوب چیز دیگری است (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰: ۵۱). آن دو معتقدند که موضوع استعاره واژه یا عبارت نیست، بلکه یک شباهت هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی است که در میان دو قلمروی مبدأ و مقصد پیدا می‌شود. از این رو موضوع دیگر زبان و تعبیرات آن نیست، بلکه اندیشه و فرآیند شناخت بشر مطرح است. در این رویکرد زبان نه تنها نقش اولی خود را از دست می‌دهد و نقش ثانوی می‌گیرد، بلکه شباهت هستی‌شناختی میان عناصر دو حوزه در قامت نقش اول در کار است (قائم‌نیا، ۱۳۹۶: ۴۹).

جانسون و لیکاف برای نشان‌دادن شباهت و ارتباط بین مفاهیم، اصطلاح نگاشت (mapping) را از نظریه مجموعه‌ها در ریاضیات اخذ و استعمال کرده‌اند. آن دو مدعی هستند که استعاره‌ها اساساً سرشت مفهومی دارند و در تجربه‌های روزمره انسان به کار می‌روند. حضور آنها اجتناب‌ناپذیر و در بیشتر موارد ناخودآگاهانه است. تفکر انتزاعی به شکل غالب استعاری است و انسان بر اساس استنتاج‌های برآمده از استعاره زندگی خود را ادامه می‌دهد (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰: ۲۷۲-۲۷۳).

مهم‌ترین ویژگی مفهوم استعاری سیستماتیک یا نظام‌مندی آن‌ها است. انسان در استعاره یک مجموعه از مفاهیم را به مجموعه‌ای دیگر انتقال می‌دهد، مثلاً وقتی می‌گوید: "جوانی بهار زندگی است"، قسمتی از نظام مفهومی بهار و خصوصیت‌هایی چون شادابی و سرزندگی،

مولد بودن و طراوات، هم‌چنین شتاب و زودگذر بودن آن را به مفهوم جوانی منتقل می‌کند. در نتیجه در چارچوب بازنمایی گزاره‌های دو مفهوم، باید بتوان بسیاری از فعل‌ها، قیود، اضافه‌ها و صفاتی را که در مورد فصل بهار استفاده می‌شود درباره جوانی نیز به کار برد (قاسم زاده، ۱۳۷۸: ۱۰۷-۱۰۸). این نکته نشانگر آن است که استعاره به شکل یک نظام، فعال است و سیستم‌وار در تفکر بشری حضور دارد. نکته قابل ذکر دیگر، نقش مفهوم استعاره در برجسته‌سازی و پررنگ کردن ابعاد خاصی از قضایاست؛ به عبارتی همه وجوه یک مفهوم کشف نقاب نمی‌کند و تنها بخشی از آن به لطف استعاره مفهومی هویدا می‌شود. لیکاف و جانسون کوشش دارند نشان بدهند که استعاره‌ها ریشه‌های بدنی (تجربی) و فرهنگی دارند. به عبارتی شکل‌گیری یک استعاره در بستر یک فرهنگ و ارتباط عناصر آن با همدیگر به دلیل انسجام است. برای نمونه بسیاری از ارزش‌های فرهنگی با استعاره‌های مکان‌مندی بالا-پایین انسجام دارند (قائم‌نیا، ۱۳۹۶: ۶۸-۶۹).

از آنجا که قرآن کریم نوع تفکر و اندیشه انسان را در فهم حقایق جدید لحاظ می‌کند، امام علی (ع) نیز در کتاب ارزشمند نهج البلاغه کوشیده است تا حقیقت قرآن را در قالب روابط استعاری به مخاطب خود بفهماند. از این رو در ادامه به کشف استعاره‌های شناختی و مفهوم‌سازی نام‌نگاشت "قرآن" در نهج‌البلاغه پرداخته خواهد شد.

### ۳. بحث و بررسی

خطبه‌های نهج‌البلاغه به دلیل غنای ادبی و معنوی، سرشار از تصاویر و مفاهیم استعاری هستند. امام علی (ع) با استفاده از کلمات شیوا و هماهنگ با معنا، خطبه‌های خود را به صورتی پویا و سرشار از حرکت ایراد نموده است. عمق و گستردگی معنا و استواری کلام امام، در کنار اندیشه‌های حکمت‌آمیز وی، رمز جاودانگی این اثر در طول تاریخ بوده است. کتاب نهج‌البلاغه افزون بر بُعد غنی دینی، یک اثر جاودان ادبی و بلاغی است که به حق می‌بایست از جنبه‌های مختلف زبانی مورد بررسی قرار بگیرد. از این روست که در پژوهش حاضر به تبیین نام‌نگاشت "قرآن" نهج‌البلاغه پرداخته شده است.

#### ۱.۳ استعاره مفهومی "قرآن حاکم است"

یکی از استعاره‌های مفهومی که برای قرآن کریم در نهج‌البلاغه به کار برده شده، استعاره‌ی "قرآن حاکم است" در خطبه‌ی ۱۲۵ می‌باشد. این خطبه را امام پس از شنیدن رأی حکمین و

فریب خوردن ابو موسی اشعری به وسیله عمرو بن عاص ایراد فرموده است: «ما افراد را داور قرار ندادیم، تنها قرآن را به حکمیت «داوری» انتخاب کردیم (که آنها بر سر نیزه کرده و داوری آن را می‌خواستند) این قرآن، خطی است نوشته شده که میان دو جلد پنهان است، زبان ندارد تا سخن گوید، و نیازمند به کسی است که آن را ترجمه کند، و همانا انسانها می‌توانند از آن سخن گویند، و هنگامی که شامیان ما را دعوت کردند تا قرآن را میان خویش داور گردانیم، ما گروهی نبودیم که به کتاب خدای سبحان پشت کنیم، در حالی که خدای بزرگ فرمود: «اگر در چیزی خصومت کردید آن را به خدا و رسول باز گردانید».

آغاز خطبه با پاسخ آن حضرت به خوارج درباره شبهه حکمیت آغاز می‌شود و اینکه چرا پس از رضایت دادن به آن فرمان جنگ داده است. شبهه خوارج این بود که به امام می‌گفتند: تو به داوری آن دو تن در این امر رضایت دادی و پیمان بست. هر کس به انجام کاری رضایت دهد و پیمان ببندد، نمی‌تواند نقض عهد کند و پیمان خود را بشکند. از این رو امام (ع) با بیان عبارت (ما افراد را داود قرار ندادیم، تنها قرآن را به حکمیت انتخاب کردیم)، فرض مسلم اولیه‌ی این شبهه را رد می‌کند. مفهوم سخن حضرت این است که ایشان مردان را از نظر این که رجال امت‌اند، به داوری برنگزیده، بلکه قرآن را حکم قرار داده است. لیکن قرآن ناگزیر به ترجمانی نیاز دارد تا مقاصدش را بیان کند. امام در ادامه می‌فرماید: این قوم از ما خواستند که داوری قرآن را بپذیریم و ما گروهی نبودیم که از حکمیت قرآن ناخشنود باشیم و از آن روی بگردانیم. زیرا خداوند در قرآن امر فرموده است که در امور اختلافی، از طریق کتاب و سنت، به قرآن و پیامبر رجوع کنید (جهت اطلاع بیشتر از معنی خطبه بنگرید به: ابن میثم بحرانی، ۱۴۱۷: ۳/۲۳۲).

عبارت «حَكَمْنَا الْقُرْآنَ» بدین معناست که ما کتاب قرآن را بین خودمان مانند یک قاضی و حکم قرار دادیم و خواستیم تا قرآن در حقانیت بین ما و شما رأی دهد و داوری کند. حوزه مقصد (مشبه) در این کلام امام قرآن است که آن را به یک قاضی یا حکم تشبیه کرده‌اند. لذا قاضی حوزه‌ی مبدأ (مشبه به) است که امام برای تبیین حقیقت قرآن ویژگی داوری کردن را از حوزه‌ی مبدأ به عاریت گرفته‌اند. لازم به ذکر است که استعاره مربوط به حکمیت قرآن در نامه‌ی ۴۸ نهج البلاغه نیز به گونه‌ای دیگر تکرار شده است: «وما را به داوری قرآن فراخواندی ..... اما ما حکم قرآن را بپذیرفتیم». در این بخش از کلام امام، نوعی استعاره‌ی مفهومی مشاهده می‌گردد. امام حقیقت معنوی قرآن را که تمامیت هدایتگری در امور دنیوی و اخروی انسانها است در قالب یک قاضی که در جریانات مختلف و دعاوی بین افراد و گروه‌ها به قضاوت

می‌نشیند و در نهایت حکمی را صادر می‌کند، ساماندهی و بیان کرده است تا از این طریق جنبه هدایتگری قرآن، یعنی قضاوت و حکمیت آن برای خوارج تبیین شود. قاضی، حوزه‌ی مبدأ (عینی و ملموس) در این استعاره و قرآن حوزه‌ی مقصد (انتزاعی) است. با توجه به آنچه که گذشت، رابطه‌ی بین حوزه‌ی مبدأ و مقصد را می‌توان در قالب جدول زیر نشان داد:

جدول ۱. حوزه مبدأ و مقصد در استعاره مفهومی قرآن حاکم است.

مبدأ: قاضی	مقصد: قرآن
در دعاوی به او رجوع می‌شود.	باید برای حل تمامی اختلافات به آن رجوع کرد.
آنچه که او حکم دهد، توسط طرفین مورد پذیرش قرار می‌گیرد.	اجرای احکام قرآن برای مسلمانان واجب دارد.
قاضی برخوردار از آگاهی‌های لازم برای صدور حکم قطعی است.	تمام آگاهی‌های لازم برای هدایت انسانها در قرآن آمده است.

### ۲.۳ استعاره مفهومی "قرآن سخنگو است"

از استعاره‌های مفهومی که در نهج البلاغه برای قرآن کریم به کار رفته است، استعاره‌ی «قرآن سخنگو است» می‌باشد. این استعاره سه بار در نهج البلاغه آمده با خصوصیت‌های مختلف ذکر شده است؛ دو بار در خطبه‌ی ۱۷۶: «سخن‌گویی که دروغ نمی‌گوید»<sup>۱</sup> «سخنگوی تصدیق کننده»<sup>۲</sup> و یک بار در خطبه‌ی ۱۳۳: «سخنگویی که زبانش ناتوان و خسته نمی‌شود»<sup>۳</sup> در این خطبه‌ها، قرآن در قالب سخنگویی که دارای سه ویژگی خاص است، ساختار یافته است: (۱) دروغ نمی‌گوید. (۲) سخنش مورد تصدیق و باور واقع می‌شود. (۳) هیچ‌گاه از حقگویی باز نمی‌ایستد و عاجز نمی‌شود.

در مناسبت استعاره‌ی نخست، قرآن به مثابه سخنگویی راست گفتار است که «اخبار و سرگذشت‌های صادقانه و درستی از آن فهمیده می‌شود» (بحرانی، ۱۴۱۷: ج ۳/ ۶۴۹). هدف از این نوع استعاره، نفی صفت کذب از ساحت قرآن کریم است.

استعاره‌ی دوم که به دنبال استعاره‌ی اول در همان خطبه ذکر شده، بدین معناست که این سخنگوی راست گفتار، هنگامی که سخن می‌گوید، تکذیب و عدم فهم آن سخن، امری ناممکن خواهد بود. به عبارت دیگر امام به «فصل الخطاب بودن قرآن اشاره دارد که صفت مشترک کلام قرآن و اهل بیت است» (ری شهری، ۱۳۸۶: ۳/ ۳۴۴).

مفهوم‌سازی نام‌نگاشت "قرآن" ... (عزت ملا ابراهیمی و فاطمه سادات حسینی) ۲۸۷

استعاره‌ی سوم در خطبه‌ی ۱۳۳ و با هدف «نکوهش ترک و مخالفت با اوامر الهی و احکام خداوند» (بحرانی، ۱۴۱۷: ۳/ ۲۸۲) آمده و بیانگر آن است که قرآن کریم همواره گویاست، در تمام زمانها و دورانها بیانگر و روشنگر است و هیچگاه از ادای این رسالت باز نمی‌ایستد. رابطه‌ی بین حوزه مبدأ و مقصد را می‌توان با توجه به استعاره‌های ذکر شده در جدول زیر نشان داد:

جدول ۲. حوزه مبدأ و مقصد در استعاره مفهومی قرآن سخنگو است.

حوزه مبدأ (گوینده)	حوزه مقصد (کتاب قرآن)
همواره سخن می‌گوید.	قرآن نیز همواره هدایتگری دارد.
همواره سخن راست می‌گوید.	قرآن تماماً صدق است و قول باطلی در آن نیست.
هر شنوایی می‌تواند به سخن این سخنگو گوش دهند.	وضوح قرآن به حدی است که برای همگان قابل بهره‌داری است.

### ۳.۳ استعاره مفهومی "قرآن هم‌نشین نیک است"

یکی از استعاره‌های مفهومی که برای قرآن در کلام امیر مومنان به کار رفته است، استعاره‌ی «قرآن هم‌نشین نیک است» می‌باشد. امام در خطبه ۱۷۶ کلام قرآن را در ساختار یک هم‌نشین شایسته ساماندهی کرده است؛ هم‌نشینی که بر هدایت انسان می‌افزاید و از گمراهی و غفلت او می‌کاهد: «این قرآن با کسی هم‌نشینی کرد مگر آنکه چیزی بر او افزود چیزی از او کاست؛ بر هدایت او افزود و از گمراهی او کاست»<sup>۴</sup> دلیل وجود خصلت هم‌نشینی نیک در قرآن آن است که «در آیات روشن و براهین آشکار آن محتوایی عمیق نهفته است که بر بصیرت انسان آگاه می‌افزاید و از نادانی انسان جاهل می‌کاهد» (هاشمی خویی، ۱۴۰۰: ۱۰/ ۱۹۶). باتوجه به روایاتی که در منابع حدیثی شیعه در خصوص انتخاب هم‌نشین نیک و ویژگی‌های آن وارد شده است هم‌چون کلام پیامبر (ص) که فرمود:

تنها در محضر دانشمندانی نشینید که شما را از پنج چیز به پنج چیز فرا می‌خوانند: از دو دلی به یقین، از ریا به اخلاص، از دنیا خواهی به دنیا‌گریزی، از تکبر به فروتنی و از ناخالصی به خلوص. (مجلسی، ۱۴۰۹، ۲/ ۵۲)

می‌توان نتیجه گرفت که قرآن بهترین هم‌نشین انسانهاست. از طرفی:

منظور از مجالست با قرآن، هم‌نشینی با حافظان و قاریان آن است که به وسیله‌ی آنها آیات قرآن استماع می‌گردد و در آنها تأمل و اندیشه می‌شود. زیرا در قرآن آیات روشن و نواهی هشدار دهنده‌ای است که بر بینش کسی که خواهان آگاهی و بصیرت هستند می‌افزاید و از کوری جهل و ظلمت نادانی آنان می‌کاهد (بحرانی، ۱۴۱۷: ۳/ ۶۴۹).

با توجه به آنچه گفته شد می‌توان رابطه‌ی بین هم‌نشینی و قرآن را این‌گونه نمایش داد:

جدول ۳. حوزه مبدا و مقصد در استعاره مفهومی قرآن هم‌نشینی نیک است.

حوزه مبدا: هم‌نشینی نیک	حوزه مقصد: قرآن
انسان را به یاد خدا می‌اندازد.	قرآن نیز دائماً انسان را به یاد خدا می‌اندازد.
عیب‌های انسان را به او می‌نمایاند.	برخی از ویژگی‌های وجودی و اخلاقی منفی انسان در قرآن ذکر شده است.
انسان را آگاه می‌کند.	قرآن بیانگر همه‌ی چیزهاست.
خیرخواه و ناصح است.	قرآن پند دهنده‌ای است که هرگز کسی را نمی‌فریبد.

### ۴.۳ استعاره مفهومی "قرآن دوا است"

از دیگر استعاره‌های مفهومی که در نهج البلاغه برای قرآن به کار رفته است، استعاره‌ی «قرآن درمان است» می‌باشد. این استعاره دو بار در خطبه‌ی ۱۹۸ با عبارات «دارویی که بیم بیماریهای آن نمی‌رود»<sup>۵</sup> و «خدا آن را دارویی قرار داد که دردی بعد از آن نیست»<sup>۶</sup> و یک‌بار هم در خطبه‌ی ۱۷۶ با عبارت «از قرآن برای بیماری‌های خود شفا جوئید»<sup>۷</sup> آمده است. امام علی (ع) حقیقت والای قرآن را در قالب دواپی که مصرف آن شفا بخش دردهاست و هیچ پیامد نامطلوبی را به دنبال ندارد، معرفی می‌کند. در روایتی از امام کاظم (ع) آمده است که: «هیچ دارویی نیست مگر آنکه بیماری را به دنبال دارد»<sup>۸</sup> (فتلاوی، ۱۴۳۵: ۶۲۵). این روایت اشاره به این مطلب دارد که هر دواپی سرچشمه‌ی درد است. اما در بیان امام علی (ع) وجود هرگونه درد از ساحت قرآن کریم نفی شده است.

منظور امام از عبارت «دارویی که بیم بیماریهای آن نمی‌رود» این است که قرآن به شکل توامان شفای ابدان و ارواح انسانهاست. شفای ابدان بودن قرآن هم به تجربه ثابت شده و هم در احادیث متعددی به خواص برخی از سوره‌های قرآن برای درمان بیماری‌های جسمی انسان، پرداخته شده است. شفای روح بودن قرآن و نقش آن در زدودن شک، شبهه و جهل انسان بر کسی پوشیده نیست. عبارت «دارویی که بیم بیماریهای آن نمی‌رود» بر امراض روحی انسان دلالت

مفهوم‌سازی نام‌نگاشت "قرآن" ... (عزت ملا ابراهیمی و فاطمه سادات حسینی) ۲۸۹

دارد و بیان می‌کند که «فضیلت نفسانی حاصل از تدبر و تفکر در قرآن، در وجود انسان ملکاتی را به وجود می‌آورد که بیم زوال آنها نیست» (هاشمی خویی، ۱۴۰۰: ۲/۳۰۷). باتوجه به این مطالب، ارتباط بین قرآن و دوا را می‌توان این‌گونه تبیین کرد:

جدول ۴. حوزه مبدا و مقصد در استعاره مفهومی قرآن دوا است.

حوزه مبدا: دارو	حوزه مقصد: قرآن
پزشک دارو تجویز می‌کند.	خداوند قرآن را برای انسانها نازل کرده است.
هنگام بیماری، دارو استعمال می‌شود.	برای درمان درد گمراهی و امراض روحی، باید به قرآن رجوع کرد.
دارو متناسب با نوع بیماری است.	قرآن برای مشکلات گوناگون بشر، راهکار متناسب با هریک را ارائه کرده است.

### ۵.۳ استعاره مفهومی "قرآن ناصح است"

از دیگر استعاره‌های مفهومی که در کلام امیر مومنان برای قرآن به کار رفته است، استعاره‌ی «قرآن ناصح است» می‌باشد. این استعاره در خطبه‌ی ۱۷۶ نهج البلاغه آورده شده است؛ آنجا که امام می‌فرماید: «آگاه باشید همانا این قرآن پند دهنده‌ای است که نمی‌فریبد... خویش را با قرآن اندرز دهید»<sup>۹</sup>. حضرت در این استعاره، قرآن را در قالب نصیحت‌کننده‌ای خیرخواه و صادق برای مخاطب ترسیم می‌کند. هاشمی خویی (۱۴۰۰: ۱۰/۱۹۵) «هدف از این‌گونه تصویرسازی قرآن برای مخاطب را در این نکته می‌داند که انسان برای هدایت‌جویی و اقتدا به قرآن ترغیب شود». «غش» در لغت متضاد واژه نصیحت و خیرخواهی است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۶/۳۲۳). عبارت «لایغش» به معنی فریب نمی‌دهد و خیانت نمی‌کند، تأکیدی بر خیرخواهی قرآن است.

امام در نامه‌ی ۳۱ نهج البلاغه خطاب به امام حسن (ع) می‌فرماید: «چه بسا نصیحت‌کننده‌ای که خیانت ورزد»<sup>۱۰</sup> این عبارت اشاره به نکته دارد که گاه نصیحت‌گران ممکن است بر حسب عواملی چون حسادت و تفکر ناصحیح، در نصیحت‌گویی خیانت ورزند؛ لذا همیشه نباید به آنها خوش‌بین بود. امام در خطبه‌ی ۱۷۶ قرآن را از دایره‌ی ناصحان عادی مستثنی می‌کند و آن را ناصحی امین می‌داند که همواره صادق و خیرخواه است و هرگز اشتباه یا خیانت نمی‌کند. از این رو رابطه‌ی بین حوزه‌ی مبدا و مقصد این استعاره به شکل زیر نمایش داده می‌شود:

جدول ۵. حوزه مبدا و مقصد در استعاره مفهومی قرآن ناصح است.

حوزه مبدا: ناصح	حوزه مقصد: قرآن
فردی آگاه است.	هر آنچه لازمه‌ی هدایت باشد، در آن هست.
خیرخواه است.	به دنبال هدایت همگان است.
افراد از او مشورت می‌خواهند و آموزنده است.	افراد باید در مسائل مختلف تحت تعلیم قرآن باشند.
گاهی ممکن است بر اثر عواملی چون حسادت در نصیحت خیانت کند	قرآن در نصیحت خیانت نمی‌کند و انسان را فریب نمی‌دهد.

### ۶.۳ استعاره مفهومی "قرآن نور است"

از دیگر استعاره‌های مفهومی قرآن در نهج البلاغه استعاره‌ی «قرآن نور است» می‌باشد. نور به چیزی اطلاق می‌شود که خود پیدا باشد و سبب پیدایی دیگر چیزها شود. معمولاً برای راه یافتن در تاریکی‌ها از نور کمک گرفته می‌شود. امام علی (ع) در خطبه‌ی ۱۵۸، قرآن را در قالب «نوری که به آن اقتدا می‌شود»<sup>۱۱</sup> ساماندهی می‌کند. هم‌چنین وی در خطبه‌ی ۱۹۸ نیز از قرآن با عنوان «نوری که چراغ‌هایش خاموش نمی‌گردد»<sup>۱۲</sup> و «پرتویی که نورش تاریک نمی‌گردد»<sup>۱۳</sup> نام می‌برد. ایشان حقیقت قرآن را در قالب نور تبیین می‌کند؛ به مناسبت اینکه قرآن هدایتی روشن است و به کمک آن انسان از تاریکی ظلمات و جهل خارج می‌گردد.

منظور از اقتدا به قرآن، پیروی از احکام آن است (هاشمی خویی، ۱۴۰۰ق: ۹/۳۳۵). در دو تعبیر خطبه‌ی ۱۹۸، قرآن در قالب منبع نوری معرفی شده است که چراغ‌هایش هرگز کم فروغ یا خاموش نمی‌شود. به عبارت دیگر به واسطه قرآن هدایت‌گری مردم پیوسته ادامه دارد و هرگز قطع یا ضعیف نخواهد شد. منظور از مصابیح قرآن، «راه‌های هدایت‌گری و علم‌آموزی آن است» (همان: ۳۰۴/۱۲). به گفته ابن میثم، منظور امام از مصابیح، دانش‌ها و هدایت‌هایی است که قرآن بین مردم پخش کرده است و یا دانشمندان و عمل‌کنندگان به احکام قرآن، آنها را برای مردم تبیین می‌کنند (بحرانی، ۱۴۱۷: ۳/۸۲۹). با توجه به این توضیحات، رابطه‌ی بین حوزه‌ی مبدا و مقصد را در این استعاره می‌توان طبق جدول زیر نمایاند:

جدول ۶. حوزه مبدا و مقصد در استعاره مفهومی قرآن نور است.

حوزه مبدا: نور	حوزه مقصد: قرآن
روشن است.	معانی عظیم قرآن، تماما معانی عالی است.
اشیای دیگر با آن روشن و پیدا می‌شوند.	معانی قرآن متعالی و هدایتگر است.
انسان‌ها برای رهایی از تاریکی از آن کمک می‌گیرند.	قرآن انسان را از جهل و گمراهی می‌رهاند.
دارای شعاع‌های متعدد است.	قرآن راه‌های مختلفی برای هدایتگری دارد.
انسان‌های بینا، متوجه آن می‌شوند و از آن بهره می‌برند.	قرآن کتاب هدایت برای پرهیزکاران است.

### ۷.۳ استعاره مفهومی "قرآن دریا است"

از دیگر استعاره‌های مفهومی که برای قرآن در کلام امام علی (ع) آمده است، استعاره‌ی «قرآن، دریا است» می‌باشد. امام این استعاره را سه بار در خطبه‌ی ۱۹۸ با عبارات: «دریایی که ژرفای آن درک نمی‌شود»<sup>۱۴</sup>، «چشمه‌های علم و دریای آن است، بوستان‌های پرگل عدل و داد و آب‌های زلال آن است»<sup>۱۵</sup> و «دریایی است که بردارندگان آب، آن را خشک نگردانند»<sup>۱۶</sup> به کار برده است. به نظر می‌رسد امام با دو هدف قرآن را در قالب دریا معرفی کرده‌اند؛ نخست از نظر عمق اسرار آن است. همان‌گونه که با فرو رفتن در دریای عمیق به قعر آن نمی‌توان رسید، خرده‌ها و اندیشه‌ها نیز از اینکه بر اسرار قرآن احاطه پیدا کنند و به عمق معانی آن دست یابند، ناتوان هستند. زیرا قرآن تراوش وحی الهی است و عقول از درک معانی والای آن عاجزند. دوم به ملاحظه آن است که قرآن معدن نفایس علوم، فضایل و اسرار و حیانی است؛ همان‌گونه که دریا نیز محل گهرهای گرانبه‌است (بحرانی، ۱۴۱۷: ۳/ ۸۲۹ - ۸۳۰).

عبارت «دریایی که عمق آن درک نمی‌شود» اشاره به «اسرار پنهانی و دقایق علمی دارد که در قرآن مجید یافت می‌شود. این دقایق فراتر از اندیشه‌هاست و جز خاصان درگاه الهی به آن دست نمی‌یابند» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۸/ ۱۳۴). با توجه به آنچه گفته شد رابطه‌ی بین دریا و قرآن را می‌توان در قالب جدول زیر نمایش داد:

جدول ۷. حوزه مبدأ و مقصد در استعاره مفهومی قرآن دریا است.

حوزه مبدأ: دریا	حوزه مقصد: قرآن
وسعت دارد.	علوم اولین و آخرین در قرآن جمع شده است.
عمیق است.	دارای بواطن متعدد است.
عمقش قابل تشخیص نیست.	شگفتی‌های قرآن قابل شمارش نیست.
در اعماق آن، سنگ‌های قیمتی یافت می‌شود.	در بواطن آیات قرآنی، معارف ارزشمندی نهفته است.

### ۸.۳ استعاره مفهومی "قرآن گنجینه‌ای کامل است"

از دیگر استعاره‌های مفهومی که برای قرآن در کلام علوی ذکر شده است، استعاره‌ی «قرآن، گنجینه‌ی کامل است» می‌باشد. این استعاره در نهج البلاغه دو بار به کار رفته است؛ یک‌بار در خطبه‌ی ۱۵۸ با عبارت «آگاه باشید که اخبار گذشته و دانش آینده در آن است»<sup>۱۷</sup> و یک بار هم در حکمت ۳۱۳ «در قرآن اخبار گذشتگان، و آیندگان، و احکام مورد نیاز زندگی تان وجود دارد».<sup>۱۸</sup> جمله‌ی علم ما یأتی به گفته بعضی از شارحان نهج البلاغه اشاره به مسائل مربوط به آخرت دارد؛ از حساب و کتاب گرفته تا صراط، بهشت و دوزخ. اما ظاهر این است که اشاره به حوادث آینده جهان دارد که در متن قرآن آمده است و معصومین علیهم السلام، به قرینه جمله بعد «والحدیث عن الماضي» از آن آگاهند. این جمله «اشاره به أمم پیشین و شرح سرگذشت آن‌هاست. گاه گفته‌اند: اشاره به آغاز آفرینش و دوران‌های نخستین خلقت این جهان نیز دارد» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۱۹۴/۶).

در این استعاره امام قرآن را در قالب دایرة المعارفی که دربردارنده‌ی تمام علوم مربوط به گذشته و آینده‌ی بشر است، معرفی می‌کند. افزون بر آن روایاتی از معصومین نقل شده که با سخن امام علی(ع) قرابت مفهومی دارد؛ مانند این سخن امام صادق(ع) که می‌فرماید: «خبر شما، خبر گذشتگان شما، خبر آیندگان شما، خبر آسمان و زمین در آن است، و اگر شخصی نزد شما می‌آمد و شما را از این اخبار آگاه می‌کرد قطعاً شگفت‌زده می‌شدید»<sup>۱۹</sup> (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۹۹/۲). در این استعاره، رابطه‌ی بین حوزه‌ی مبدأ و مقصد را می‌توان در قالب جدول زیر بیان کرد:

مفهوم‌سازی نام‌نگاشت "قرآن" ... (عزت ملا ابراهیمی و فاطمه سادات حسینی) ۲۹۳

جدول ۸. حوزه مبدا و مقصد در استعاره مفهومی قرآن گنجینه‌ی کامل است.

حوزه مبدا: گنجینه کامل	حوزه مقصد: قرآن
کتابی است که اطلاعات گسترده‌ای در آن جمع شده است.	قرآن گنجینه‌ای از علوم مختلف است.
اطلاعات کاربردی در آن می‌آید.	هرآنچه برای هدایات بشر تا روز قیامت لازم است، در قرآن آمده است.
افراد برای یافتن پاسخ پرسش‌های خود در زمینه‌های مختلف به آن رجوع می‌کنند.	مسلمانان برای یافتن طریق هدایت در شئون مختلف زندگی به قرآن مراجعه می‌کنند.
نویسنده‌اش عالمی است که به حیطه‌های مختلف علوم آگاهی دارد.	فرستنده‌ی قرآن، داننده‌ی تمام آشکارها و نهان‌هاست.

### ۹.۳ استعاره مفهومی "قرآن بهار دلهاست"

از استعاره‌های مفهومی که در کلام علوی برای قرآن ذکر شده، استعاره‌ی «قرآن بهار دلهاست» می‌باشد. تعبیر از قرآن به بهار دلها دو بار در نهج البلاغه آمده است؛ یکی در خطبه‌ی ۱۱۰ که امام می‌فرماید: «در آن تفقه کنید، که همانا بهار دلهاست»<sup>۲۰</sup> و دیگری در خطبه‌ی ۱۷۶ با عبارت «در آن بهار دل است»<sup>۲۱</sup> آمده است. دلیل اینکه امام حقیقت قرآن را در قالب بهاری برای دلها ساماندهی کرده، آن است که:

کتاب الهی جامع انواع دانش‌های ارزنده، معانی لطیف و اسرار شگفت‌آور دقیقی است که مانند گلزاری شادی بخش دلها را زنده می‌سازد؛ همچنان که فصل بهار، بستر گل‌های زیبا و با طراوتی است که چشمان را روشنی و دلها را سرور و شادی می‌بخشد» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۱۴۲/۳).

میتوان رابطه‌ی بین حوزه مبدا و مقصد را اینگونه تحلیل کرد:

جدول ۹. حوزه مبدا و مقصد در استعاره مفهومی قرآن بهار دلها است.

حوزه مبدا: بهار	حوزه مقصد: قرآن
زمین مرده را زنده می‌کند.	به قلب مرده (گمراه) حیات معنوی می‌بخشد.
به طبیعت شادابی و طراوت می‌بخشد.	با شگفتی‌هایش سبب نصارت و سرور قلب می‌شود.
دارای مناظر زیبا و چشم نواز و دلنشین است.	دربردارنده معانی لطیف و اسرار شگفت است.
فصل خیر و برکت است.	معارف قرآنی دارای منافع بی‌شمار برای انسانهاست.

### ۱۰.۳ استعاره مفهومی "قرآن پوشش زیرین است"

از استعاره‌های مفهومی دیگری که برای قرآن در کلام امیر مومنان آمده است، استعاره‌ی «قرآن پوشش زیرین است» می‌باشد که در حکمت ۱۰۴ نهج البلاغه ذکر شده است: «خوشا به حال آنان که از دنیای حرام چشم پوشیدند، و دل به آخرت بستند، آنان مردمی هستند که زمین را تخت، خاک را بستر، آب را عطر و قرآن را پوشش زیرین قرار دادند»<sup>۲۲</sup>. واژه "شعار" در لغت عرب به معنای پوشش زیرین است که در کلام امیر از انس با قرآن در خلوات حکایت می‌کند. همانگونه که پوشش زیرین به بدن انسان می‌چسبد و همواره در خلوت و جلوت با اوست و از او جدا نمی‌شود، زاهدان نیز پیوسته و در هر حالی با قرآن مانوس‌اند. پارسایان همواره در حال آموزش مقاصد قرآن و بهره‌گیری از معارف ارزنده‌ی آن هستند و هیچ‌گاه خویش را از قرآن دور نمی‌کنند» (بحرانی، ۱۴۱۷: ۵/ ۴۹۸).

از منظری دیگر تعبیر "شعار" برای قرآن را از آن جهت می‌توان دانست که «دستورات قرآن در وجود پرهزگاران جای گرفته است. آنان همواره به هنگام قیام و قعود و هرگونه حرکت فردی و اجتماعی از خدا یاری می‌طلبند و از هرگز خدا را از یاد نمی‌برند» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۱۲/ ۶۱۶).

### ۱۱.۳ استعاره مفهومی "قرآن منزلی مستحکم است"

از استعاره‌های مفهومی به کار رفته برای قرآن در نهج البلاغه، استعاره‌ی «قرآن، منزلی مستحکم است» می‌باشد که در خطبه‌ی ۱۳۳ ذکر شده است: «کتاب خدا، قرآن، در میان شما سخنگویی است که هیچ‌گاه زبانش از حق گویی کند و خسته، و همواره گویاست، خانه‌ای است که ستون‌های آن هرگز فرو نمی‌ریزد»<sup>۲۳</sup>. امام در این مفهوم استعاری، قرآن را در قالب منزلگاهی محکم که فرو نمی‌ریزد، برای مخاطبان مفهوم سازی کرده است. یعنی همانطور که خانه‌ی مستحکم به ساکنانش امنیت می‌بخشد و از آنها در برابر گزند حوادث، گرما، سرما، حیوانات درنده، سارقان و غیره محافظت می‌کند، قرآن نیز عمل‌کنندگان به دستوراتش را پناه می‌دهد و آنها را از انحرافات، گمراهی‌ها و دستبردهای شیاطین حفظ می‌کند.

مراد از "ارکان" قرآن،

قوانین کلی، رهنمودها، اوامر و نواهی کتاب مقدس الهی است که نظام جهان بر اساس آنها پایه‌گذاری شده است. این قواعد هیچگاه از میان نخواهد رفت و احکام و نظام کلی قرآن،

مفهوم‌سازی نام‌نگاشت "قرآن" ... (عزت ملا ابراهیمی و فاطمه سادات حسینی) ۲۹۵

صلاحیت و شایستگی آن را دارد که در همه زمانها پا بر جا و استوار باقی بماند» (بحرانی، ۱۴۱۷: ۳/۲۸۳).

باتوجه به آنچه گفته شد، می‌توان رابطه‌ی بین حوزه‌ی مبدا و مقصد را در این استعاره در قالب جدول زیر تبیین کرد:

جدول ۱۰. حوزه مبدا و مقصد در استعاره مفهومی قرآن منزلی مستحکم است.

حوزه‌ی مبدا: منزلگاه محکم	حوزه‌ی مقصد: قرآن
دارای ستونهای استوار است.	دربردارنده‌ی رهنمون‌های هدایتگر و نیز اوامر و نواهی است.
افرادی در آن سکونت دارند.	مسلمانان معارف قرآن را دنبال و در چهارچوب آن عمل می‌کنند.
از ساکنانش در برابر خطراتی همچون سرما و گرما محافظت می‌کند.	پیروان قرآن از هرگونه انحراف و گمراهی در امان‌اند.
تمام انسانها برای ادامه‌ی حیات به منزل نیازمندند.	هیچ کس بی‌نیاز از معارف قرآن نیست.
بر روی سر ساکنانش فرو نمی‌ریزد.	قرآن همیشه تازه و پابرجاست.

### ۱۲.۳ استعاره مفهومی "قرآن پایه‌ی اسلام است"

از دیگر استعاره‌های مفهومی که برای قرآن در نهج البلاغه آمده است، استعاره‌ی «قرآن پایه‌ی اسلام است» می‌باشد که در خطبه‌ی ۱۹۸ نمود یافته است: «پایه‌ها و اساس اسلام است»<sup>۲۴</sup>، «أثافی "جمع" أثفیة» از ماده «أثف» گرفته شده و به معنای ثبات و استقرار است. «أثفیة در لغت به سنگهای ثابتی گفته می‌شود که دیگر را روی آن می‌گذارند. گاه این واژه به سه پایه هم اطلاق می‌گردد» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۷/۷۰۸). سه پایه منجر به ثبوت و استقرار دیگر می‌شود. پایه‌ی هر شیئی، آن را ثابت و استوار نگه می‌دارد و مانع لغزش، جابجایی و سقوط آن می‌شود. تعبیر از قرآن به اساس و پایه‌ی اسلام دال بر این نکته است که قرآن به منزله‌ی عامل ثبوت و نگه‌دارنده‌ی دین اسلام و تکیه‌گاه آن است. اسلام تا زمانی که بر مبنای قرآن و مفسر آن یعنی سنت اهل بیت (ع) استوار باشد، از لغزش، انحراف و نهایتاً فروپاشی مصون می‌ماند.

### ۱۳.۳ استعاره مفهومی "قرآن ریسمان محکم است"

از دیگر استعاره‌های مفهومی به کار رفته برای قرآن در نهج البلاغه، استعاره‌ی «قرآن ریسمان محکم است» می‌باشد که در خطبه‌ی ۱۷۶ با عبارت «همانا قرآن ریسمان محکم خداست»<sup>۲۵</sup> آمده است. واژه‌ی "حبل" در مفاهیم دینی کارکردهای متعددی دارد و مفاهیمی از قبیل اسلام، اهل بیت، قرآن و غیره در قالب آن ساماندهی شده است. هدف از ساماندهی قرآن در قالب ریسمان، بدین دلیل است که قرآن تنها دستاویزی است که انسان در شرایط حساس و بحرانی می‌تواند بدان بیاویزد و خود را از خطرات موجود برهانند؛ همانگونه که برای رهایی فرد درون چاه افتاده و بالا آوردن او از ریسمان استفاده می‌کند. می‌توان رابطه‌ی بین حوزه‌ی مبدا و مقصد این استعاره را طبق جدول زیر تعریف کرد:

جدول ۱۱. حوزه مبدا و مقصد در استعاره مفهومی قرآن ریسمان محکم است.

حوزه مبدا: ریسمان	حوزه‌ی مقصد: قرآن
به منبع محکمی وصل است.	متصل به ذات اقدس خداوندی است.
برای رهایی از شرایط سخت مانند گیر افتادن در چاه از آن استفاده می‌شود.	در تمام احکام و مسائل می‌توان به قرآن رجوع کرد.
استفاده از آن در شرایط سخت نجات بخش است.	هدایت‌جو از قرآن، همواره رستگار و کامیاب است.
اگر دست کسی به ریسمان برسد، می‌تواند آن را بگیرد و در امان باشد.	امکان بهره‌مندی از معارف قرآن برای هر هدایت‌جویی میسر است.

### ۱۴.۳ استعاره مفهومی "قرآن وادی و سبزه‌زار حقیقت است"

از دیگر استعاره‌های مفهومی قرآن در نهج البلاغه، استعاره‌ی «قرآن وادی و سبزه‌زار حقیقت است» می‌باشد که در خطبه‌ی ۱۹۸ آمده است: «وادی‌های حق و دشت‌های هموار آن است»<sup>۲۶</sup>. واژه‌ی "اودیه" به معنی دره‌ها و کلمه "غیطان" به معنی سرزمین‌های هموار است. در این استعاره قرآن در قالب وادی و سرزمین همواری ساماندهی شده است؛ دره و سرزمین هموار، منطقه‌ای حاصلخیزند و سرچشمه‌ای برای جاری شدن آب و بستر مناسبی برای رویش گیاه را شکل می‌دهند. همانطور که دره و سرزمین هموار، معدن آب و گیاه به شمار می‌رود، قرآن نیز بستر تمامی حق‌ها و مکان یافتن آنهاست. منظور از حق در اینجا «به معنای گسترده آن می‌باشد و تمامی حقوق الهی، انسانی و اجتماعی را دربرمی‌گیرد» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۷/۷۱۰). به

مفهوم‌سازی نام‌نگاشت "قرآن" ... (عزت ملا ابراهیمی و فاطمه سادات حسینی) ۲۹۷

گفته ابن میثم بحرانی (۱۴۱۷: ۳/ ۸۳۱) دلیل اینکه قرآن به عنوان وادی و سبزه‌زار حقیقت در کلام امیر مومنان معرفی شده، بدین سبب است که قرآن سرچشمه‌ی عدل دانسته می‌شود و تمام کلیات و جزئیات عدالت، از این منبع جوشان استخراج می‌گردد.

#### ۴. نتیجه‌گیری

از آنچه گذشت دریافتیم که:

۱) در این پژوهش به بررسی استعاره‌های مفهومی قرآن در نهج البلاغه پرداخته و آشکار شد که در گفتمان علوی برای مفهوم‌سازی حقیقت قرآن کریم و ویژگی‌های آن از ۱۴ مفهوم مادی استفاده شده است.

۲) این مفاهیم مادی که امیر مومنان از آنها برای مفهوم‌سازی حقیقت قرآن استفاده کرده است، عبارتند از: حاکم، سخنگو، هم‌نشین نیک، دوا، ناصح دلسوز، نور، دریا، گنجینه، بهار، پوشش زیرین، منزل مستحکم، پایه، ریسمان، وادی و سرزمین هموار.

۳) حضرت علی (ع) برای شناساندن قرآن و ویژگی‌های آن به مخاطب با در نظر گرفتن چندین مؤلفه‌ی مهم و واضح در مفاهیم مادی منتخب، بر اساس نگاشت‌های بین حوزه‌ی مبدا و مقصد، آنها را برای قرآن کریم اثبات کرده است.

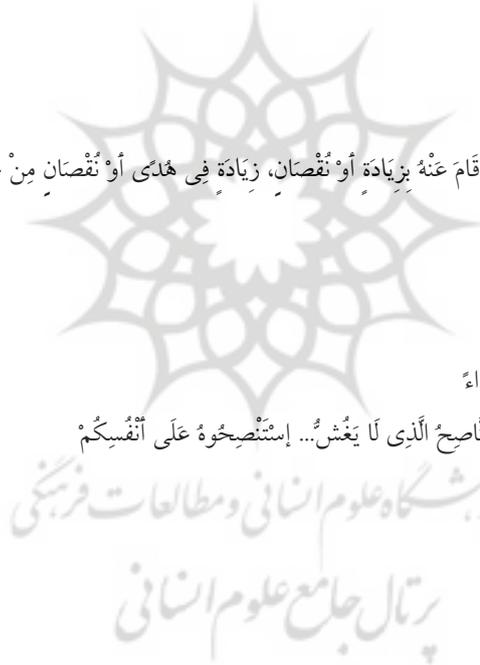
۴) با توجه به استعاره‌های مفهومی که در کلام علوی ذکر شده است، قرآن کریم مانند قاضی، به هنگام اقامه دعاوی حکم عادلانه صادر می‌کند، مانند سخنگویی صادق، به هدایت‌گری می‌پردازد و با آیات خود با مردم سخن می‌گوید، مانند هم‌نشین نیکو انسان را به یاد خدا می‌اندازد و در مسیر رشد و تعالی به او کمک می‌کند، مانند دارو در دردهای روحی و معنوی زندگی بشر، نجات‌بخش است، مانند ناصح دلسوز به دنبال ارشاد انسانهاست و کسی را فریب نمی‌دهد، مانند نور انسان را از تاریکی جهل و گمراهی می‌رهاند، مانند دریا عمیق است، شگفتی‌های غیر قابل شمارش و بواطن متعدد دارد، مانند گنجینه‌ای مشتمل بر اطلاعات مفید است، مانند بهار حیات بخش و نشاط آور است، مانند پوشش زیرین باید همواره همراه انسان باشد و از انسان جدا نگردد، مانند منزلی مستحکم انسان را از خطرات انحرافی می‌رهاند و به او پناه می‌دهد، مانند پایه در استقرار و ثبات دین اسلام نقش اساسی دارد، مانند ریسمان در شرایط بحرانی

می‌توان بدان آویخت و مانند وادی و دشتی هموار، سرچشمه‌ای برای جریان یافتن حقیقت و عدالت است.

(۵) امام علی (ع) به عنوان جانشین و پیشوای مسلمانان پس از پیامبر اسلام (ص)، در زمینه‌ی معرفی قرآن کریم و شناساندن ویژگی‌های آن به مخاطبان خود در طول تاریخ، در نهایت فصاحت و بلاغت عمل کرده است. وی با مفهوم‌سازی نام‌نگاشت "قرآن" در نهج‌البلاغه، هر آنچه را که از شناخت قرآن برای هدایت بشر لازم بوده طبق ساخت شناختی ذهن مخاطبان ارائه کرده است.

### پی‌نوشت‌ها

۱. الْمُخَدَّثُ الَّذِي لَا يَكْذِبُ
۲. قَائِلٌ مُصَدِّقٌ
۳. نَاطِقٌ لَا يَغَيِّرُ لِسَانَهُ
۴. مَا جَالَسَ هَذَا الْقُرْآنَ أَحَدًا إِلَّا قَامَ عَنْهُ بِزِيَادَةٍ أَوْ نُقْصَانٍ، زِيَادَةٌ فِي هِدْيٍ أَوْ نُقْصَانٍ مِنْ عَمِّي.
۵. شِفَاءٌ لَا تُخَشَى أَسْقَامُهُ
۶. جَعَلَهُ اللَّهُ دَوَاءً لَيْسَ بَعْدَهُ دَاءٌ
۷. فَاسْتَشْفُوهُ مِنْ أَدْوَانِكُمْ
۸. لَيْسَ مِنْ دَوَاءٍ إِلَّا وَهُوَ يُهَيِّجُ دَاءً
۹. وَ اغْلَمُوا أَنَّ هَذَا الْقُرْآنَ هُوَ النَّاصِحُ الَّذِي لَا يَغْشَى... إِسْتَنْصِحُوهُ عَلَى أَنْفُسِكُمْ
۱۰. ربما غشَّ المُستنصِح
۱۱. النور المقتدى به
۱۲. نوراً لا تطفأ مصابيحُه
۱۳. شعاعاً لا يظلم ضوءُه
۱۴. بَحْرًا لَا يَدْرِكُ قَعْرُهُ
۱۵. يَنَابِيعُ الْعِلْمِ وَ بُحُورُهُ وَ رِيَاضُ الْعَدْلِ وَ غُدْرَانُهُ
۱۶. بَحْرٌ لَا يَنْزِفُهُ الْمُسْتَنْزِفُونَ
۱۷. أَلَا إِنَّ فِيهِ عِلْمَ مَا يَأْتِي وَ الْحَدِيثَ عَنِ الْمَاضِي
۱۸. فِي الْقُرْآنِ نَبَأٌ مَا قَبْلَكُمْ، وَخَبْرٌ مَا بَعْدَكُمْ، وَحُكْمٌ مَا بَيْنَكُمْ



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

مفهوم‌سازی نام‌نگاشت "قرآن" ... (عزت ملا ابراهیمی و فاطمه سادات حسینی) ۲۹۹

۱۹. فِيهِ خَبْرُكُمْ وَخَبْرُ مَنْ قَبْلَكُمْ وَخَبْرُ مَنْ بَعْدَكُمْ وَخَبْرُ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ، وَلَوْ أَنَاكُمْ مَنِ يُخْبِرُكُمْ عَنْ ذَلِكَ لَتَعَجَّبْتُمْ

۲۰. تَفَقَّهُوا فِيهِ فَإِنَّهُ رَبِيعُ الْقُلُوبِ

۲۱. فِيهِ رَبِيعُ الْقَلْبِ

۲۲. طُوبَى لِلزَّاهِدِينَ فِي الدُّنْيَا الرَّغْبِينَ فِي الْآخِرَةِ أُولَئِكَ قَوْمٌ اتَّخَذُوا الْأَرْضَ بَسَاطًا وَتُرَابَهَا فِرَاشًا وَمَاءَهَا طِيبًا وَالْقُرْآنَ شِعَارًا

۲۳. كِتَابُ اللَّهِ بَيْنَ أَظْهُرِكُمْ، نَاطِقٌ لَا يَعْيا لِسَانُهُ، وَبَيْتٌ لَا تُهْدَمُ أَرْكَانُهُ

۲۴. أَتَأْفِيُ الْإِسْلَامَ وَبُنْيَانَهُ

۲۵. إِنَّهُ حَبْلُ اللَّهِ الْمَتِينِ

۲۶. أَوْدِيَةُ الْحَقِّ وَغِيْطَانُهُ

## کتاب‌نامه

قرآن کریم

نهج البلاغه

فارسی

بحرانی، ابن میثم (۱۴۱۷ق)، شرح نهج البلاغه، ترجمه قربانعلی محمدی مقدم و علی اصغر نوایی، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية.

چارتریس بلک، جاناتان (۱۳۹۸ش)، تحلیل انتقادی استعاره: رویکردی شناختی - پیکره‌ای، ترجمه یکتا پناه‌پور، تهران: لوگوس.

ری شهری، محمد (۱۳۸۶ش)، میزان الحکمه، به کوشش حمیدرضا شیخی، قم: سازمان چاپ و نشر دار الحدیث.

شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۵۸ش)، صور خیال در شعر فارسی، تهران، نشر آگاه.

قائم‌نیا، علیرضا (۱۳۹۶ش)، استعاره‌های مفهومی و فضا‌های قرآن؛ تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

قاسم زاده، حبیب‌الله (۱۳۷۸ش)، استعاره و شناخت، تهران: فرهنگیان.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶ش)، پیام امام‌المومنین علیه السلام، تهران: دارالکتب الإسلامية.

هاشمی، زهره (۱۳۸۹ش)، «نظریه استعاره مفهومی از دیدگاه لیکاف و جانسون»، ادب پژوهی، سال چهارم، شماره ۱۲، صص ۱۱۹-۱۳۹.

### عربی

- ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، جلد ۶، بیروت: دار صادر.  
جاحظ، عمرو (۱۹۴۸م)، البیان والتبیین، بیروت: مكتبة الهلال.  
فتلاوی، علی (۱۴۳۵ق)، قواعد حیاتیة علی ضوء روایات أهل البيت عليهم السلام، كربلاء: العتبة الحسينية المقدسة قسم الشؤون الفكرية والثقافية.  
کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، به کوشش علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الإسلامية.  
مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۹ق)، بحار الأنوار، بیروت: مؤسسة الوفاء  
هاشمی خوبی، میرزا حبیب الله (۱۴۰۰ق)، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة، به کوشش ابراهیم میانجی، تهران: دار الکتب الإسلامية.

### لاتین

Lakoff, George & Mark Johnson, ( 1980 ), Metaphors we live by; Chicago: the University of Chicago Press.

### References

The Holy Quran  
Nahjul-Balagha

### persions

- Bahrani, Ibn Maytham (1417 AH), Commentary on Nahjul-Balagha, translated by Qurban Ali Mohammadi Moghadam and Ali Asghar Navai, Mashhad: Majma' al-Bhoot al-Islamiyya  
Charteris Black, Jonathan (2019), Critical Analysis of Metaphor: A Cognitive-Corporate Approach, translated by Yekta Panahpour, Tehran: Logos  
Ray Shahri, Mohammad (2007), Mizan al-Hikmah, edited by Hamid Reza Sheikhi, Qom: Dar al-Hadith Publishing House  
Shafiei Kadkani, Mohammad Reza (1979), Imagination in Persian Poetry, Tehran, Agah Publishing House  
Ghaeminiya, Alireza (2017), Conceptual Metaphors and Spaces of the Quran; Tehran: Islamic Culture and Thought Research Institute Publications  
Ghasemzadeh, Habibollah (1999), Metaphor and Cognition, Tehran: Farhangian  
Makarem Shirazi, Nasser (2007), Message of Imam Ali (AS), Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya  
Hashemi, Zohreh (2010), "Conceptual Metaphor Theory from the Perspective of Lakoff and Johnson", Literary Studies, No. 12, pp. 119-139

مفهوم‌سازی نام‌نگاشت "قرآن" ... (عزت ملا ابراهیمی و فاطمه سادات حسینی) ۳۰۱

**arabic**

Ibn Manzur, Muhammad ibn Makram (1414 AH), Lisan al-Arab, Volume 6, Beirut: Dar Sadr

Jahiz, Amr (1948), Al-Bayan and Al-Tabiyyin, Beirut: Maktaba Al-Hilal

Fatlawi, Ali (1435 A.H.), the vital rules of Ali in the light of the hadiths of Ahl al-Bayt, peace be upon them, Karbala: Al-Utba al-Husainiyyah al-Maqsada, section for intellectual and cultural affairs

Kulayni, Muhammad ibn Yaqub (1407 AH), Al-Kafi, edited by Ali Akbar Ghaffari and Muhammad Akhundi, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya

Majlisi, Muhammad Baqir (1409 AH), Bihar al-Anwar, Beirut: Al-Wafah Foundation

Hashemi Khoei, Mirza Habibullah (1400 AH), Minhaj al-Baraa' in the explanation of Nahjul al-Balagha, edited by Ibrahim Miyanji, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya

Lakoff, George & Mark Johnson, ( 1980 ) , Metaphors we live by; Chicago: the University of Chicago Press.

